چگونه در مدرسه مشتاق کتاب بسازیم؟

جذب دانش‌آموزان مدرسه به کتابخانه و تشویق آن‌ها به مطالعه، کار راحتی نیست. منظورم این است که ممکن نیست فقط با باز گذاشتن در اتاقی که در آن تعدادی قفسه‌ی کتاب است، بچه‌ها کتاب‌خوان شوند. جذب دانش‌آموزان، الزاماتی دارد و باید و نبایدهایی که بعضی از آن‌ها را همه می‌دانند و بقیه، بر اثر تجربه به دست می‌آید.

اولین و مهم‌ترین نکته برای جذب دانش‌آموزان به کتابخانه، فضای آن است. فضا شامل محل قرار گرفتن کتابخانه در مدرسه، شکل و ترتیب چینش قفسه‌ها، ظاهر کتاب‌های داخل آن‌ها، چینش میز و صندلی‌ها، نور طبیعی و مصنوعی کتابخانه، تهویه و ... می‌شود. راجع به هر کدام کمی توضیح می‌دهم:

محل کتابخانه باید جایی باشد که همه، از دانش‌آموزان و معلم‌ها، آن را ببینند. مثلاً طبقه‌ی سوم مدرسه‌ای که به دانش‌آموزان اجازه‌ی استفاده از آسانسور را نمی‌دهد، جای خوبی برای برپا کردن کتابخانه نیست. شاید برای شما این سؤال به وجود بیاید که مگر کتابخانه محل سکوت و مطالعه نیست؟ باید خدمت شما عرض کنم که در مدرسه، خیر! اصلاً دانش‌آموزان از شما نمی‌پذیرند که در کتابخانه، سکوت (و حتی آرامش) خود را حفظ کنند؛ بنابراین اگر می‌خواهید در مدرسه سالن مطالعه داشته باشید، برای آن محلی به‌غیراز کتابخانه مدرسه در نظر بگیرید.

قفسه‌های کتاب‌ها بهتر است به صورت موضوعی مرتب شده باشد و روی هر قفسه، ریز موضوع آن درج شده باشد. (هشدار! اگر این کار را نکنید، وقت قابل توجهی را باید به نشان دادن جای هر موضوع در کتابخانه به دانش‌آموزان اختصاص دهید!) بهتر است به دیویی و ترتیب صد در صدی کتاب‌ها در قفسه بی‌اعتنا باشید، چون هر دانش‌آموز یک بر هم ریزنده‌ی بالقوه است و هرچقدر هم که در تور کتابخانه به آن‌ها توضیح داده و از آن‌ها خواهش کرده باشید که کتاب‌ها را در قفسه‌ها جابه‌جا نکنند، باز هم در کمتر از یک نصفه روز، چند کتاب هستند که دیگر سر جای خود نیستند.

کتاب‌های بچه‌ها، باید سالم و تمیز باشد. قبل از هر چیزی ظاهر کتاب‌ها است که برای دانش‌آموزان اهمیت دارد! اگر مخاطبان شما دبستانی‌اند، زدن برچسب‌های رنگی بر عطف کتاب‌ها برای مشخص شدن موضوعات آن‌ها و برای جذاب‌تر شدن ظاهرشان، می‌تواند کمک کننده باشد. (اگر برچسب‌ها درست به یک فاصله از پایین کتاب الصاق شوند، انگار هر قفسه یک نوار رنگی دارد که بیانگر موضوع است.) بچه‌ها دوست دارند کتاب‌های هم شکل، کنار هم باشند. اگر دیویی بودن کتابخانه زیاد برایتان اهمیت ندارد، می‌توانید کتاب‌هایی با یک فروست را (که معمولاً ظاهر و قطع آن‌ها به هم نزدیک است) کنار هم بگذارید. (مثلاً: علوم ترسناک پیدایش، رمان نوجوان امروز کانون، رمان نوجوان افق) بهتر است اگر کتابی مربوط با سال‌ها قبل است و مندرس شده، یا رنگ برگه‌هایش تغییر کرده یا پاره است، زودتر عوضش کنید. چون بچه‌ها ممکن نیست چنین کتابی را انتخاب کنند و کتاب‌های کناری آن‌ها نیز پاسوزشان می‌شوند! (مگر اینکه کتاب، هری پاتر باشد!!!)

باقی موارد واضح و مبرهن است. مثلاً راجع به نور که باید کافی باشد و چه بهتر که کتابخانه از نور طبیعی هم بتواند بهره بگیرد. (مربوط به بند دوم! کتابخانه در زیرزمین هم نباشد لطفاً) و در مورد تهویه: اگر کنترل مرکزی ندارد، شما باید دمای بدنتان را با دمای بدن دانش‌آموزان هماهنگ کنید. چون آن‌ها هستند که تصمیم می‌گیرند دمای هوا چطور باشد و بعد از چند هفته تذکر دادن شما متوجه این موضوع خواهید شد.

نکته‌ی بعد راجع به فضا، میز امانت است. خب این‌که خودتان پشت میز راحت باشید و این‌ها که واضح و مبرهن است، اما یک نکته را به عنوان فوت کوزه‌گری می‌خواهم بهتان بگویم: سعی کنید میزی داشته باشید که یک سوراخ داشته باشد. این سوراخ مثل یک جاذبه‌ی گردشگری عمل می‌کند و حداقل ۵۰% دانش‌آموزان مدرسه یک‌بار تا پای میز شما می‌آیند تا سوراخ را از نزدیک ببینند و بپرسند که به چه درد می‌خورد! (این تجربه را وقتی به دست آوردم که میزی از اتاق دیگری به کتابخانه آمده بود و محفظه‌ی عبور سیم‌ها، سمت چپ میز بود و سیستم ما سمت راست و آن سوراخ مقدس توجه‌های بسیاری را به خود جلب می‌کرد.)

و آخرین نکته راجع به فضا، تزئینات آن است. پیشنهاد دوستانه‌ام این است که خودتان را نکشید و مدرسه را در خرج نیندازید! با کمی خرده کاغذ و مقوا، با مداد رنگی و ماژیک، با چسب و قیچی، شما می‌توانید زیباترین کتابخانه را داشته

تمامی حقوق برای مجله کتابدار 2.0 محفوظ است. نقل مطالب مجله تنها با ذکر منبع و نام نویسنده مجاز است.

باشید و برای این‌که تزئیناتتان پایدار باشد، بهتر است از خود بچه‌ها برای ساختنشان کمک بگیرید. تزئینات می‌تواند مربوط به کتاب‌ها باشد (مثل طراحی کاراکترهای مشهور داستانی) یا جنبه‌ی نمادین داشته باشد (مثل به کار بردن سمبلیک پرنده‌ها) و می‌تواند به مناسبت‌های مختلف یا حال و هوای دانش‌آموزی مرتبط باشد. از گلدان‌ها طبیعی، گل‌های طبیعی و هرچه که به کتابخانه رنگ و روح بدهد، استفاده کنید و اگر کسی بود که تزئینات را دوست نداشت، ازش ایده بگیرید و دفعه‌ی بعد از خلاقیت او استفاده کنید. خلاصه که رضایت همه را جلب کنید. (بودند دانش‌آموزانی که وقت رفتن به من گفتند که به خاطر تزئینات کتابخانه نمی‌آمده‌اند تو!)

دومین و آخرین نکته برای جذب دانش‌آموزان هم کتابدار است؛ یعنی کتابخانه چیزی نیست جز یک فضا و یک فرد. اگر هدف کتابخانه و مدرسه، انبار کردن کتاب‌ها در مدرسه است، کتابدار فقط یک ویژگی نیاز دارد: منظم و منضبط باشد، ولی اگر هدف جذب دانش‌آموزان و تشویق آن‌ها به مطالعه است کتابدار باید خلاق، خوش‌اخلاق، مهربان و انعطاف‌پذیر، کتاب‌خوان، کتاب‌شناس، کمی قانون‌شکن و صبور باشد. تخصص؟ خوب است اما لازم نیست!

خلاق بودن بعد از طراحی تزئینات فضای داخلی و بردهای کتابخانه در راهروهای مدرسه، به درد معرفی کتاب، طراحی مسابقات کتابخانه‌ای و کتاب‌خوانی می‌خورد. شما حتی اگر هر هفته هم مسابقه داشته باشید، دانش‌آموزانی هستند که از شما بیشتر می‌خواهند. برای همین اگر نصف زمانتان را هم صرف طراحی مسابقات و تبلیغات آن کنید، ارزشش را دارد. حتی اگر مسابقاتی که طراحی می‌کنید ارتباط زیادی با کتاب‌ها نداشته باشد (مثل سودوکو)، باز هم همین که عاملی برای آمدن دانش‌آموزان به کتابخانه است، مهم و با ارزش است. شاید دانش‌آموزی که صرفاً برای شرکت در مسابقات به کتابخانه می‌آید از شما کتابی نگیرد، اما همان ورودش به کتابخانه باعث می‌شود حداقل کتاب‌های تازه را ببیند و بداند که در کتابخانه چه می‌گذرد. بین نزدیک ۳۰۰ دانش‌آموزی که در این مدت کتابدارشان بوده‌ام، شاید فقط یک یا دو نفر بودند که نه کتابی امانت گرفته بودند طی سال و نه در فعالیت‌های کتابخانه شرکت کرده بودند. بقیه حداقل به خاطر یکی از این دو، گاهی به کتابخانه سری زده بودند.

خوش اخلاقی مهم‌ترین رکن جذب است! دانش‌آموزان فرق لبخندهای واقعی و مصنوعی را خیلی خوب می‌فهمند. کافی است آن‌ها را به لبخندتان شرطی کنید تا هر روز بیایند و به بهانه‌ای، سهمیه‌ی لبخندشان را بگیرند و بروند. در این بین شما می‌توانید بخشی از کتابی که خودتان دوست داشته‌اید، شعری کوتاه، خلاصه‌ای از کتابی جدید و ... را با آن‌ها سهیم شوید یا راجع به کتاب‌هایی که مشترکاً خوانده‌اید، گفت‌وگو کنید. بهترین شیوه‌ی گفت‌وگو هم مخالفت است! کافی است کتابی که شما دوست نداشته‌اید را او دوست داشته باشد یا برعکس! بهترین گفت‌وگو اینجا شکل می‌گیرد: شما دلایل خوب/بد بودن کتاب را از نگاه خودتان می‌گویید و آن‌ها از نگاه خودشان، نتیجه؟ شما سلیقه‌ی آن‌ها را بهتر می‌فهمید و با نگاه آن‌ها کتاب‌ها را می‌خوانید و بین همین بحث‌ها، کتاب‌هایی به هم معرفی می‌کنید که هم برای شما مفید است و هم برای دانش‌آموزان.

مهربانی و انعطاف‌پذیری، چیزی است که مدرسه از شما نمی‌پذیرد و دانش‌آموزان از شما طلب می‌کنند. بچه‌ها دائم در حال چانه زدن هستند! برای پنج دقیقه بیشتر در کتابخانه ماندن، برای نشستن پشت سیستم، برای استفاده کردن از کامپیوتر، برای داشتن احساس راحتی با شما، حتی برای کمک کردن به شما، برای روی میز نشستن، برای خوراکی خوردن در کتابخانه، برای بیشتر از ظرفیت کتاب بردن، برای تمدیدهای طولانی، برای کتاب امانت گرفتن به جای یکدیگر، برای کتاب فهرست‌نویسی نشده را امانت بردن، برای استفاده از مهر کتابخانه و برای هر چیزی که فکرش را هم نمی‌کنید، آن‌ها با شما چانه می‌زنند و جداً به نظرم باید خیلی سنگدل باشید که کوتاه نیایید! و معمولاً این کوتاه آمدن منجر به دلخوری مدرسه خواهد شد، ولی اگر مدرسه نفهمد، شما خوشبخت‌ترین کتابدار دنیایید که یک راز مشترک با کاربرتان دارید!!

کتاب‌خوان بودن کتابدار به جز همان بحث‌ها که گفتم، به درد معرفی کتاب هم می‌خورد. کتابی که خودتان خوانده‌اید و دوست داشته‌اید را خیلی مفیدتر و بهتر می‌توانید به دیگران معرفی کنید. ولی همان بحث‌ها هم مهم است. بچه‌ها از شما نمی‌پذیرند که کتابی وجود داشته باشد که نخوانده باشید (باور بفرمایید همین قدر شور!) و دائم از شما می‌خواهند به آن‌ها کتاب‌هایی معرفی کنید که داستان و محتوایش همان چیزی باشد که دوست دارند! باید سعی کنید حداقل هر هفته یک کتاب بخوانید (جدید یا از کتاب‌های قدیمی که جایزه برده‌اند و محتوای مفیدی دارند).

کتاب‌شناس بودن به درد نمایشگاه کتاب می‌خورد. هم نمایشگاه بین‌المللی و خرید کتاب (اگر کتاب‌شناس نباشید، در نمایشگاه سر در گم می‌شوید و آخر هم با دست خالی برمی‌گردید) و هم نمایشگاه‌هایی که در مدرسه می‌گذارید. نمایشگاه کتاب مدرسه، خودش به چند کار می‌آید! اول این‌که اگر توی کتابخانه بچینیدش، خب! باعث باز شدن برخی از معلم‌ها و دانش‌آموزان به محل کارتان می‌شود. دوم این‌که بچه‌ها با عنوان تعداد زیادی کتاب آشنا می‌شوند و سوم

تمامی حقوق برای مجله کتابدار 2.0 محفوظ است. نقل مطالب مجله تنها با ذکر منبع و نام نویسنده مجاز است.

این‌که دانش‌آموزان می‌فهمند شما چه کتاب‌هایی در کتابخانه دارید! کتاب‌شناسی به این کار می‌آید که می‌دانید برای انتخاب کتاب برای نمایشگاه، سراغ چه ناشرانی بروید که نمایشگاهتان تنوع خوب و کافی (از نظر دانش‌آموزان و مدرسه) داشته باشد.

راجع به قانون‌شکنی بالاتر گفتم. کتابدار باید منظم و قانون‌مدار باشد اما نه در مدرسه و وقتی جایی قرار گرفته که محل آموزش نظم و قانون است! واقعاً نه! قانون می‌گوید بچه‌ها در کتابخانه خوراکی نخورند و درست هم می‌گوید. پس دانش‌آموزانی که مدتی را در صف طولانی بوفه مانده‌اند، چه کنند؟ گرسنه بمانند؟ به چه گناهی؟ از کتابخانه استفاده نکنند؟ این کار درست است؟ نه! من این قانون‌ها را هیچ‌وقت از ته دل نپذیرفتم، تاوانش را هم داده‌ام ها! تذکر هم داده‌ام، اما دل‌چرکین. خودم هم از گرسنگی بی‌رنگ و رو شده‌ام اما در کتابخانه خوراکی نخورده‌ام که الگوی خوبی باشم، ولی بارها و بارها شرمنده‌ی بچه‌هایی شدم که به خاطر این قانون، یا خوراکی محبوبشان بهشان نرسیده، یا مدتی طولانی گرسنه مانده‌اند... قانون است که بچه‌ها کف زمین ننشینند! حقیقت این است که من خودم شیرین‌ترین خاطرات مدرسه‌ام مربوط به کف زمین نشستن‌های دور همی کف زمین است! چرا باید این لذت کوچک و ساده و بی خرج را از دانش‌آموزان بگیرم؟ جریمه کردن! آخ خدای من! چرا باید کسی که به کتابخانه می‌آید و کتاب قطوری می‌برد که بخواند، جریمه شود؟ آن وقت کسی که هرگز کتابی نبرده، جریمه هم نمی‌شود! چرا چنین قانون بدی وجود دارد؟ چه دل‌ها که به خاطر این قوانین نشکسته‌ایم و چه کتاب‌خوان‌هایی که شوقشان را سرکوب کرده‌ایم... نمی‌گویم که کتابخانه بی‌قانون و هرج‌ومرج باشد، ولی سخت گرفتن به دانش‌آموزان موجب طرد شدنشان می‌شود. می‌شود گوشه‌ای از کتابخانه فرش پهن کرد برای دور هم نشستن و خوراکی خوردن، می‌شود قوانینی برای بخشیدن جریمه‌ها گذاشت، می‌شود کتابخانه را به قلب تپنده‌ی مدرسه و بهشت بچه‌ها در مدرسه تبدیل کنیم، اگر بخواهیم، اگر بگذارند.

و در آخر صبوری! مسابقه‌ای می‌گذارید و در صبحگاه یا جایی که همه دانش‌آموزان هستند، توضیح آن را می‌دهید. حداقل ۲۰ نفر از شما دوباره می‌پرسند که جریان مسابقه چیست! باید صبور باشید. کتابی که خودتان عاشقش هستید را به بچه‌ها معرفی می‌کنید و هیچ‌کس نمی‌خواند و هر کس هم که بخواند می‌گوید مزخرف است! (نهایتاً برای اینکه دلتان نشکند، می‌گوید خوشش نیامده)، صبور باشید. رادیاتور کتابخانه خراب شده و آب رفته زیر میزها، مدیر و مسئول مالی و ناظم و نظافتچی، شما را مقصر می‌دانند، صبور باشید. دانش‌آموز دوغ می‌ریزد روی کتاب‌ها، صبور باشید. مادر می‌گوید کتابی که دخترم می‌خواند مشکل داشت و خوشم نیامد، صبور باشید. دوستتان دارند؟ صبور باشید، دوستتان ندارند؟ صبور باشید، اردو نمی‌برندتان چرا که شما را الگوی درستی برای بچه‌ها نمی‌دانند؟ صبور باشید، از ناراحتی‌هایتان به بچه‌ها چیزی بروز ندهید و هوای حال خوبشان را داشته باشید. آن‌ها ارباب رجوع شما هستند و همیشه حق با آن‌هاست. صبور باشید و با لبخند همیشه منتظر این باشید که دانش‌آموزان بیایند و با رفتار یا گفتاری، غافلگیرتان کنند و قلبتان را پر از عشق و امید و سعی کنید در مسیر زندگی‌شان که با روزهای شما تلاقی پیدا کرده، از کتابخانه درختی سبز بیافرینید که در سایه‌اش، حالشان خوش شود.

نویسنده: معصومه سعادت

مشخصات استناددهی به این مقاله

نویسنده(ها):	معصومه سعادت
عنوان مقاله:	چگونه در مدرسه مشتاق کتاب بسازیم؟
عنوان مجله:	کتابدار ۲.۰ –(عنوان لاتین: 2.0 i-Kitbdr)
دوره مجله(Vol):	۴
شماره مجله(Issue):	۵
سال(Year):	۱۳۹۷
شناسه دیجیتال(DOI):	
لینک کوتاه:	http://lib2mag.ir/10045

تمامی حقوق برای مجله کتابدار 2.0 محفوظ است. نقل مطالب مجله تنها با ذکر منبع و نام نویسنده مجاز است.